

آشنائی او با آیت‌الله بهشتی است. شریف امامی می‌گوید در سفرش به هانبورگ، شهردار آن شهر قضیه لزوم تکمیل مسجد نیمه تمام آنجا را با وی مطرح کرده و او هم در بازگشت مسئله را با شاه در میان می‌گذارد و قرار می‌شود با کمک برخی تجار بنای مزبور تکمیل شود. بعداً به پیشنهاد آیت‌الله سیداحمد رضوی خولفساری، آیت‌الله بهشتی، که شریف امامی او را هیچ وقت ندیده بود، جهت امامت مسجد هانبورگ تعیین و او فقط طی نامه‌ای به شهرداری کل کشور، توصیه‌ای جهت صدور گذرنامه برای او می‌کند. (ص ۲۸۶) شریف امامی درباره تصمیم عراقی‌ها مبنی بر محدود کردن امام در عراق نیز می‌گوید عراقی‌ها خواستار دیدار شاه از آن کشور بودند و شرط شاه انزوای امام خمینی در عراق بود، که عراقی‌ها آنرا انجام دادند (ص ۷-۲۸۶). درباره بنیاد پهلوی نیز وی مطالبی درباره شیوه انتقال ساختمان بنیاد پهلوی در خیابان پنجم نیویورک به دولت جدید ایران بیان می‌کند. سپس متذکر می‌شود که شاه از بنیاد پهلوی «حتی یک دینار» هم دریافت نمی‌کرد. هر چند بنیاد از چه محل‌هایی تأمین می‌شده و نیز به چه مصرف می‌رسیده اظهار بی‌اطلاعی می‌کند. (ص ۹۰-۲۸۹)

ناگفته‌ها

اما ناگفته‌ها در خاطرات شریف امامی، بسیار بیشتر از گفته‌های اوست. در واقع شاید بتوان عجلتاً گفت هر آنچه که درباره شریف امامی محل بحث و گفتگو بوده ناگفته مانده است. او با زیرکی هر چه را لازم دیده، گفته است. کاستی‌های روش اتخاذ شده از سوی دست‌اندرکاران مجموعه تاریخ شفاهی هاروارد نیز این جنبه منفی را تشدید کرده است. لذا در اینجا فقط به مضامینی چند که لازم بود در بازگویی خاطرات، حداقل در حد اشاره به آنها پرداخته می‌شد و حال در حکم کاستی‌های خاطرات حاضر به شمار می‌رود، اشاراتی خواهیم داشت:

الف) شریف امامی به بحث درباره پیشینه خانوادگی خود علاقه‌ای نشان نداده است. فقط اشاره می‌کند پدرش روحانی بود. در حالی که در ایام فعالیت سیاسی بیوسته سوابق خانوادگی خود را محمل و وسیله جلب اعتماد مجامع مذهبی قرار می‌داد. شاید توضیح اندکی، علت استنکاف او از این پرهیز را روشن کند. شریف امامی فرزند حاج محمد حسین نظام‌الاسلام، از روحانیون تهران در اواخر دوره قاجار بود. وی از ناصرالدین شاه لقب معتمدالشریعه و از مظفرالدین شاه لقب نظام‌الاسلام را دریافت کرده بود. نظام‌الاسلام سال‌ها پیشکار میرزا ابوالقاسم امام جمعه تهران بود. نسب مادری او نیز به حاج مهدی کلباسی، روحانی سرشناس اصفهان می‌رسید. شریف امامی از طرف مادر نسب به حاج ملاهادی مدرس تهرانی می‌رساند.^۱ بعدها شریف امامی با خاندان معظمی‌ها (کلبایگانی)